

نقش نظام‌های انتخاباتی در مشارکت - پارلمانی زنان

(مطالعه تطبیقی: افغانستان و ایران)

یونس فتحی*

نصرت‌الله نبیل رحیمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

DOI: 10.22096/LAW.2021.119435.1599

چکیده

مشارکت متوازن زن‌ها با مردان (در سیاست) یکی از اهداف بنیادین دموکراسی و حقوق بشر مدرن است. از این رو، در اسناد متعدد بین‌المللی پیرامون رفع تبعیض در برابر زنان بحث شده و دولت‌ها را مکلف نموده تا در زمینه توانمندسازی سیاسی زنان تلاش نمایند. یکی از اقدامات مؤثر در زمینه توانمندسازی سیاسی زنان، تقویت مشارکت پارلمانی آنان است. در حالی که میزان مشارکت پارلمانی زنان با سیستم حاکم بر انتخابات مجالس پیوند مستقیم دارد، وضعیت مشارکت پارلمانی زنان در کشورهای استفاده‌کننده از سیستم تناسبی در مقایسه با کشورهای پیرو سیستم اکثریتی، بهتر و بیشتر است. در این مقاله با استفاده از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری منابع به صورت کتابخانه‌ای تلاش شده تا تأثیر نظام‌های انتخاباتی در سطح مشارکت پارلمانی زنان در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان ارزیابی شود. از این رو، سؤال اساسی در این مقاله این است که، چه رابطه‌ای بین نوع نظام انتخاباتی و مشارکت پارلمانی زنان

Email: u.fathi@basu.ac.ir

* استادیار گروه حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. «نویسنده مسئول»

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Email: nusratullahnabeel@gmail.com



در پارلمان ایران و افغانستان وجود دارد؟ براساس نتایج حاصله از این پژوهش می‌توان گفت، میان نوع نظام انتخاباتی و وضعیت مشارکت پارلمانی زنان رابطه مستقیم وجود دارد؛ که مهم‌ترین مصداق این ادعا وضعیت مشارکت پارلمان زنان در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان است. میزان مشارکت پارلمانی زنان در جمهوری اسلامی ایران به دلیل استفاده از سیستم اکثریتی دو مرحله‌ای کم‌رنگ یا ضعیف است؛ به علاوه، در افغانستان نیز است از سیستم تک رأی غیرقابل انتقال (سیستمی دارای هم‌پوشانی با خانواده اکثریتی) باعث شده تا وابستگی به سهمیه اختصاصی افزایش یابد.

واژگان کلیدی: نظام‌های انتخاباتی؛ مشارکت پارلمانی؛ سهمیه اختصاصی؛ جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران.



مقدمه

دموکراسی و حقوق بشر به مثابه عناصر اصلی مدرنیته، پیوسته به دنبال تعمیم و تحکیم مشارکت متوازن زنان با مردان (در عرصه سیاست) است. اما در عمل دیده می‌شود که این هدف با واقعیت‌های اجتماعی فاصله معنادار دارد. امروزه نمایندگی متوازن زنان با مردان در پارلمان حتا در دموکراسی‌های توسعه‌یافته نیز رؤیایی بلندپروازانه است. برخی مشارکت ضعیف پارلمانی زنان را یک بحث اجتماعی می‌دانند و آن را با مباحثی چون نوع نگاه زنان به سیاست، فرهنگ سیاسی،^۱ توسعه نیافتگی دموکراسی، نظام انتخاباتی، عوامل اجتماعی، توسعه نیافتگی حقوق بشر و برنامه‌های احزاب پیوند می‌دهند. اما در این میان نقش نظام‌های انتخاباتی برجسته بوده و غیرقابل انکار است؛ به عبارت بهتر، فرمول‌های انتخاباتی، اثر مستقیم بر سطح مشارکت پارلمانی زنان دارد و یک سیستم انتخاباتی متناسب با واقعیت‌های اجتماعی می‌تواند در راستای تقویت مشارکت پارلمانی زنان مؤثر باشد.

به نظر می‌رسد، گفتمان مشارکت پارلمانی زنان به تدریج در کشورهای توسعه‌یافته اهمیت خود را از دست می‌دهد؛ چون این دسته کشورهای طی برنامه‌های اصلاحی (در چند دهه اخیر) توانسته‌اند مشارکت پارلمانی زنان را در قوه قانونگذاری در سطح قابل ملاحظه‌ای بالا ببرند. اما در کشورهای در حال توسعه این موضوع هنوز مسئله مسلط اجتماعی بوده و میزان مشارکت زنان ناچیز یا اندک است. جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران از حیث دولت‌های در حال توسعه و دارندهٔ پسوند دینی بیش از هر کشور دیگری نیازمند پرداختن به مسئله مشارکت پارلمانی زنان هستند. لازم به ذکر است که پرداختن به همه ابعاد مشارکت پارلمانی زنان در یک مقاله مختصر کار دشواری است؛ از این رو، هدف از نظام انتخاباتی در این مقاله، فرمول‌های انتخاباتی بوده و ذیل این مبحث تلاش می‌شود تا تأثیرات فرمول‌های انتخاباتی حاکم در انتخابات پارلمانی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی افغانستان در زمینه سطح مشارکت پارلمانی زنان بررسی شود. در واقع هدف اصلی این مقاله ارزیابی ضرورت اصلاحات انتخاباتی برای تقویت مشارکت پارلمانی زنان است. در تئوری نظام‌های اکثریتی (نظام مورد استفاده در ایران و با تمهیداتی در افغانستان) یکی از عوامل تضعیف مشارکت پارلمانی زنان قلمداد می‌شود.

۱. نک: پناهی و بنی‌فاطمه، ۱۳۹۳: ۳۷.

هرچند سطح مشارکت زنان در پارلمان افغانستان طی دوره‌های تقنینی پانزدهم، شانزدهم و هفدهم (۱۹ سال اخیر) بیش از ۲۵ درصد است، اما عامل اصلی شکل‌گیری سطح مشارکتی ۲۵ درصدی زنان در پارلمان سهمیه‌بندی جنستی بوده و این رقم ارائه‌کننده سطح واقعی زنان (پیروز در انتخابات) نیست. از این رو سؤال اصلی مقاله این‌گونه طراحی می‌شود که، تأثیر نظام‌های انتخاباتی در تعیین سطح مشارکت پارلمانی زنان چگونه است؟ فرضیه مقاله این است که به نظر می‌رسد، استفاده از نظام‌های انتخاباتی مربوط به خانواده تاسبی در زمینه تقویت مشارکت پارلمانی زنان بازخورد بهتری (در مقایسه با نظام‌های اکثریتی) دارد.

۱- مفهوم نظام‌های انتخاباتی

در باب مفهوم نظام انتخاباتی دو برداشت متفاوت (موسع و مضیق) وجود دارد. منظور از نظام انتخاباتی در برداشت موسع، همه عوامل مؤثر در تبدیل نمودن رأی به کرسی است^۱ که شامل مباحثی چون، ساختار رأی، حوزه‌های انتخابیه و فرمول‌های انتخاباتی^۲ می‌شود.^۳ اما در برداشت مضیق، منظور از نظام انتخاباتی صرفاً فرمول‌های انتخاباتی (نظام‌های انتخاباتی در برداشت مضیق‌اند) که به سه خانواده بزرگ (اکثریتی (Plurality & Majority)، تناسبی (Proportional System) و مختلط (Mixed System)) دسته‌بندی می‌شوند.^۴ هریک از خانواده نظام‌های انتخاباتی به نوبه خود به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند.^۵ لازم به ذکر است، آنچه در این مقاله مدنظر است برداشت مضیق از نظام انتخاباتی است.

1. See: Luxembourg, 2009: 2.

۲. در متون لاتین مفهوم فرمول‌های انتخاباتی (Electoral Formula) مترادف برداشت مضیق از نظام‌های انتخاباتی است.

3. See: Reeve & Ware, 2006: 64.

۴. نك: خسروی، ۱۳۸۷: ۲۰۳؛ Reynolds; Reilly & Ellis, 2005: 76.

۵. دسته‌بندی انتخاباتی (Reynolds, Reilly & Ellis, 2005: 28):

- الف- انواع نظام‌های اکثریتی: ۱- نظام اکثریتی ساده (FPTP); ۲- نظام اکثریتی دسته‌جمعی (BV); ۳- نظام دسته‌جمعی حزبی (PBV); ۴- نظام رأی بدیل (AV); ۵- نظام دو مرحله‌ای (2-Round System).
- ب- انواع نظام‌های تناسبی: ۱- نظام تناسبی لیستی (List-PR); ۲- نظام تناسبی قابل انتقال (STV).
- ج- انواع نظام‌های مختلط: ۱- نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط (MMP); ۲- نظام موازی (Parallel).
- د- فرعی: ۱- تک رأی غیرقابل انتقال (SNTV); ۲- رأی محدود (LV); ۳- سیستم مبتنی شمارش بوردا (BC).

۲- اهمیت مشارکت-پارلمانی زنان

از آنجایی که فرهنگ سیاسی و امر عمومی در همه جوامع (بالاخص در جوامع آسیایی) بر مردان متمرکز شده است،^۱ برداشتن تبعیض‌ها فراروی مشارکت پارلمانی زنان به یکی از گفتمان‌های مسلط حقوق مبدل و در قالب ارزش‌های حقوق بشری در برخی اسناد به رسمیت شناخته شده است. در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۲ در ماده ۲ کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی،^۳ در ماده ۲ کنوانسیون حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی،^۴ و در ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد،^۵ به تساوی حقوق زن با مرد و رفع تبعیض اشاره شده است. اما مهم‌ترین سند بین‌المللی که به مشارکت پارلمانی زنان به‌طور موردی پرداخته است، کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض در برابر زنان است. براساس ماده ۷ این کنوانسیون، دولت‌های متعهد، مکلف‌اند تا اقداماتی را در راستای رفع تبعیض در برابر زنان (در زمینه امور عمومی و سیاسی) اتخاذ نمایند. براساس این ماده، دولت‌های عضو مکلف‌اند که حق رأی، حق شرکت در تعیین سیاست دولت، به عهده گرفتن پست‌های دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی را به زنان به رسمیت بشناسند. افغانستان به این کنوانسیون بدون قید شرط (استفاده از حق شرط) پیوسته است. بنابراین مطابق ماده ۷ قانون اساسی افغانستان، کلیه احکام موجود در این کنوانسیون‌ها برای افغانستان حکم قانون را دارد.^۶ اما جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون الحاق نشده است. سند دیگر در رابطه با مشارکت پارلمانی زنان اعلامیه بیجینگ (Beijing Declaration) است. این اعلامیه در سال ۱۹۹۵ توسط ۱۸۹ عضو سازمان ملل متحد در رابطه با وضعیت جهانی زنان صادر شد، که در آن به تقویت مشارکت پارلمانی زنان اشاره شده است. به‌علاوه، یکی از اهداف توسعه هزاره (Millennium Development Goal) (۲۰۰۰) نیز گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان^۷ است.

1. See: Iwanaga, 2008: 9.
2. Universal Declaration of Human Rights.
3. International Covenant on Economic Social and Political Rights.
4. International Covenant on Economic Social and Cultural Rights.
5. UN Charter.
6. See: Kandiyoti, 2007: 506.
7. Promoting Gender Equality and Empowering Women.

همچنین اسناد دیگر در رابطه با مشارکت پارلمانی زنان قطعنامه‌های ۵۸/۱۴۲ و ۶۶/۱۳۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان زنان و مشارکت سیاسی است. در این قطعنامه‌ها، دولت‌ها در قالب چهار نوع تعهد (شناسایی، یادآوری، تأیید مجدد و اقدامات تشویقی) تکالیفی در راستای بهبود مشارکت پارلمانی زنان دارند. نکته جالب این قطعنامه، یادآوری و تأکید مجدد آن به اعلامیه بیجینگ (۱۹۹۵) در راستای تقویت مشارکت سیاسی زنان در نهادهای ملی است. علاوه بر اسناد یادشده، مشارکت پارلمانی زنان در برخی پژوهش‌های کارشناسانه نیز بحث شده که به شرح زیر خلاصه می‌شود:

- گزارش ۲۰۱۴ فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در زمینه تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان^۱ تحت عنوان تساوی جنسیتی و توسعه پایدار؛^۲

- رهنمود شورای اروپا (۲۰۰۳)، تحت عنوان مشارکت متوازن زن و مرد در تصمیمات سیاسی و عمومی؛^۳

- گزارش ۲۰۱۰ دیوان سازمان ملل متحد در زمینه توسعه امور زنان تحت عنوان تقویت مکانیزم‌های ملی برای تساوی جنسیتی و تقویت زنان؛^۴

- گزارش ۲۰۱۶ برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) تحت عنوان حقوق زنان در قانون اساسی؛^۵

- گزارش ۲۰۱۲ بانک جهانی (World Bank) تحت عنوان سهمیه اختصاصی و رهبری زنان.^۶

۲-۱- کرسی‌های ذخیره / سهمیه اختصاصی برای زنان در پارلمان

کرسی‌های ذخیره (Reserved Seats) به کرسی‌های پارلمانی اشاره دارد که باید توسط زنها پُر شود. یکی از روش‌هایی که می‌توان مشارکت پارلمانی زنان را تقویت نمود، اختصاص

1. The World Survey on the Role of Women in Development, on the theme of "gender equality and sustainable development".

2. Gender Equality and Sustainable Development.

3. Balanced participation of women and men in political and public decision-making.

4. Strengthening National Mechanism for Gender Equality and Empowerment of Women.

5. Women Rights in Constitutions.

6. Gender Quotas and Women Leadership.

کرسی‌های ذخیره به آنان است.^۱ براساس تعهدات موجود در کنوانسیون منع هرگونه تبعیض در برابر زنان و اعلامیه بیجینگ (۱۹۹۵)، کشورهای متعهد باید کرسی‌های ذخیره را به‌عنوان راهکاری در زمینه تقویت مشارکت پارلمانی زنان در قوانین خود جا دهند.^۲ مسئله کرسی‌های ذخیره دارای گفتمان موافقان و مخالفان اند. برخی این کرسی‌ها را تبعیض در برابر مردان قلمداد نموده و مخالف اصل عدالت می‌دانند.^۳ اما در اصل کرسی‌های اختصاصی تبعیض در برابر مردان نیست، بلکه راهکاری است برای برداشتن موانع در برابر مشارکت پارلمانی زنان؛ لذا در بحث کرسی‌های ذخیره، اصطلاح تبعیض مثبت مصداق پیدا می‌کند.^۴ سهمیه‌بندی بر مبنای قوانین ملی به روش متفاوتی صورت می‌گیرد.^۵ در یک نگاه کلی سهمیه اختصاصی زنان (Electoral Quotas) را می‌توانیم به سه نوع دسته‌بندی نماییم:

الف- کرسی‌های رزرو شده (Reserved seats): در این نوع سهمیه‌بندی باید، قسمت خاصی از پارلمان به زنان اختصاص می‌یابد.^۶

ب- سهمیه اختصاصی در کاندیداتوری (Best loser): روش دیگری که برای تضمین مشارکت زنان در قوه قانونگذاری پیشنهاد می‌شود، شیوه مجبور نمودن احزاب سیاسی برای رعایت توازن جندر در لیست-حزبی [انتخاباتی] است. به بیان دیگر احزاب سیاسی باید قسمتی از لیست خویش را به زنان اختصاص دهند.^۷ برای اینکه واقعاً احزاب خود را ملتزم به این کار بدانند، قوانینی عادی برای جریمه نمودن احزاب خاطی وضع می‌شود.^۸

ج- سهمیه اختصاصی احزاب سیاسی (Political Party Quotas): از آنجا که احزاب می‌توانند در تقویت مشارکت زنان در پارلمان مؤثر باشند،^۹ روش سوم را می‌توان برای سهمیه اختصاصی

1. See: M.Hughes; P.Paxton & Krook, 2017: 333.

2. See: Balington & E.Matland, 2004: 11.

۳. نك: دهقانی، ۱۳۹۷: ۶۳ و ۶۴.

۴. نك: فلشنبرگ، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۹.

5. See: Gamboa, 2018: 1.

6. See: M.Hughes; P.Paxton & Krook, 2017: 333.

7. See: Gamboa, 2018: 1.

8. See: M.Hughes; P.Paxton & Krook, 2017: 333.

9. See: Caul, 1999: 83.

پذیرش داوطلبانه سهمیه اختصاصی توسط احزاب در نظر گرفت.^۱ تفاوت این روش با روش‌های قبلی به هنجارهای حاکم برمی‌گردد؛ بدین نحو که، روش اول و دوم توسط قانون اساسی و قانون انتخابات تنظیم می‌شود، اما روش سهمیه اختصاصی داوطلبانه کاملاً اختیاری بوده و از جانب احزاب هدایت و رهبری می‌شود. (با استفاده از اصول داخلی احزاب و قدرت رهبری)^۲

۳- تاثیر فرمول‌های انتخاباتی در مشارکت پارلمانی زنان

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، نظام‌های انتخاباتی یکی از عوامل مؤثر در تعیین سطح مشارکت پارلمانی زنان است. چون سایر عوامل (فرهنگ سیاسی و غیره)، مباحث ذهنی هستند که تغییر آن به‌منظور بهبود مشارکت زنان در پارلمان زمان‌بر و غیرقابل ارزیابی عینی است. بنابراین بهترین و عینی‌ترین روش برای تقویت مشارکت پارلمانی زنان اعمال تغییرات در نظام انتخاباتی است. به باور متلاند (Matland) اصلاح یا تغییر نظام انتخاباتی واقع‌گرایانه‌ترین راهکار در راستای بهبود مشارکت پارلمانی زنان (در مقایسه با تغییر فرهنگ-سیاسی) است.^۳

لازم به ذکر است که هیچ‌یک از فرمول‌های انتخاباتی به‌تنهایی عامل تقویت مشارکت پارلمانی زنان نیست، اما به‌طور نسبی می‌توانیم بگوییم که نظام‌های تناسبی در مقایسه با نظام‌های اکثریتی بازخورد بهتری در زمینه مشارکت پارلمانی زنان دارند.^۴ بنابر همین دلیل است که در برنامه‌های اصلاحی تقویت مشارکت پارلمانی زنان، معمولاً فرمول‌های مربوط به خانواده تناسبی پیشنهاد می‌شود.^۵

هرچند بررسی تاثیر نظام‌های انتخاباتی در میزان مشارکت پارلمانی زنان یکی از مباحث جدید در مطالعات نظام‌های انتخاباتی است، اما مقدمات این جدال آکادمیک مدت‌ها قبل طرح شده است. برای نخستین بار داورگر (Duverger) در سال ۱۹۵۴ نقش نظام‌های انتخاباتی را در مشارکت پارلمانی بررسی نمود و به این نتیجه رسید که احزاب سیاسی در نظام تناسبی با علاوه

1. See: P. Jones, 2004: 1218.

2. See: M. Hughes; P. Paxton & Krook, 2017: 333-334.

3. See: Iwanaga, 2008: 107.

4. See: Kunovich & Paxton, 2005: 514.

5. See: Young, 1997: 310.

نقش نظام‌های انتخاباتی در مشارکت - پارلمانی زنان... / فتحی و دیگران ۲۹۱

نمودن زنان در لیست خود تلاش می‌کنند تا آرای بیشتری کسب نمایند. همچنین او تأکید نمود که اضافه نمودن زنان در لیست نامزدان در نظام تناسبی به احزاب ریسک زیادی ندارد، و بنابراین احزاب رغبت بیشتری برای تقویت مشارکت - پارلمانی زنان در این سیستم دارند.^۱

۳-۱- تأثیر نظام‌های اکثریتی در نمایندگی زنان

در نظام اکثریتی، برنده کسی است که بیشترین آرا را کسب نماید؛ معمولاً در این سیستم یک برنده وجود دارد.^۲ اما در برخی گونه‌های این سیستم دیده می‌شود، که بیش از یک نامزد نیز می‌تواند پیروز انتخابات باشد. لذا در جوامعی که مردم بیشتر به خصوصیات فردی نامزدان (نه به احزاب) رأی می‌دهند، احزاب سیاسی علاقه کمتری به معرفی نامزدان زن (در سیستم اکثریتی) نشان می‌دهند.^۳

به علاوه، سیستم اکثریتی برای جوامع چندپارچه توصیه نمی‌شود؛ زیرا این سیستم باعث تقسیم آرا شده و بخش عظیمی از رأی مردم ضایع می‌شود؛ همچنین در این سیستم اقلیت‌ها شانس پیروزی کمتری دارند، و دلیل دیگر اینکه گروه‌های سیاسی مربوط به زن‌ها اغلب در اقلیت اند، ممکن است این طیف شانس پیروزی آن‌چنانی در انتخابات نداشته باشند. نکته دیگر اینکه به دلیل تک حوزه‌ای بودن برخی گونه‌های آن، این سیستم در برابر زنان تبعیض‌آمیز پنداشته می‌شود؛ زیرا زنان در همه جوامع به لحاظ تحصیلات، موقعیت اجتماعی، تسلط مردان بر سیاست، دسترسی به منابع قدرت، دسترسی به منابع اقتصادی و موقعیت اداری در موقعیت نابرابر قرار دارند و نمی‌توانند برای یک کرسی با مردان رقابت نمایند.^۴

نظام اکثریتی یکی از عوامل شخصیت‌سالاری انتخاباتی بوده و نمایندگان مجلس می‌توانند روابط کانالی برای رأی‌دهی ایجاد کنند. براساس یک چنین رابطه‌ای، اعضای مجلس توانایی بالقوه برای پیروزی پیدا می‌کند و موفقیت نامزدان تازه وارد (درمبارزات انتخاباتی) را محدود می‌سازد. بنابراین استفاده از این سیستم در جوامع کمتر توسعه یافته و مردسالار موفقیت زنان

1. See: C.Thames & S.Williams, 2010: 1578.

2. See: Ballington & Azza, 2005: 99.

3. See: C.Thames & S.Williams, 2010: 1578.

4. See: I.Lindberg, 2004: 33.

را محدود می‌کند؛ چون زنان از توانایی کافی رقابت با نمایندگان مجلس برخوردار نیستند.^۱ با توجه به تجربیات موجود می‌توان گفت که، در سیستم اکثریتی به نسبت سیستم‌های تناسبی و مختلط سطح مشارکت پارلمانی زنان کم‌رنگ و ناچیز است.^۲

۳-۲- نظام‌های تناسبی و نمایندگی زنان

براساس پژوهش‌های انجام شده، سطح نمایندگی زنان در نظام‌های انتخاباتی خانواده تناسبی (دارای حوزه‌های انتخابیه بزرگ) در مقایسه با سایر نظام‌ها بیشتر است. دلیل اصلی بیشتر بودن سطح مشارکت پارلمانی زنان در نظام انتخاباتی تناسبی، استفاده از حوزه انتخابیه‌های چندعضوی / ملی است.^۳ همچنین در نظام تناسبی احزاب سیاسی براساس اصول درون حزبی می‌توانند با اضافه نمودن زنان در لیست نامزدان در راستای تقویت مشارکت پارلمانی زنان نقش‌آفرینی نمایند.

ویلیچ و ستودلر (Welch & Studlar) (۱۹۹۰) با مقایسه نظام انتخاباتی انگلیس و آمریکا، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که حوزه‌های انتخابیه چندعضوی می‌تواند در تقویت مشارکت پارلمانی زنان مؤثر باشند.^۴ به بیان دیگر، نظام تناسبی به دلیل داشتن حوزه‌های بزرگ (بالاخص حوزه‌های ملی) تأثیر مثبتی بر میزان مشارکت پارلمانی زنان دارد.^۵

نکته دیگر در رابطه با نظام انتخاباتی تناسبی، باز و بسته بودن لیست‌ها است؛ در لیست بسته احزاب سیاسی اشراف کامل در معرفی نامزدان دارند، اما در لیست باز احزاب سیاسی ملزم به رعایت سلسله مراتب آرای اکتسابی نامزدان هستند. لیست بسته معمولاً در اروپای غربی و لیست باز در کشورهای آمریکای لاتین (مانند برزیل) کاربرد دارد.^۶ در لیست باز، نامزدانی وارد پارلمان می‌شوند که آرای بیشتری کسب کنند و در این زمینه سلسله مراتب کسب آراء رعایت می‌گردد. در صورت لحاظ نمودن سهمیه اختصاصی به زنان، باز بودن

1. See: C.Thames & S.Williams, 2010: 1579.

2. See: Beauregard, 2013: 15.

3. See: Luxembourg, 2009: 2.

4. See: C.Thames & S.Williams, 2010: 1579.

5. See: Mishler & Schwindt-Bayer, 2005: 411.

6. See: C.Thames & S.Williams, 2010: 1580.

لیست تاثیر چندانی به وضعیت مشارکت پارلمانی زنان وارد نمی‌کند. اما در حالتی که سهمیه اختصاصی برای زنان قید نشده باشد، لیست باز به نفع زنان نبوده و برعکس لیست بسته توصیه می‌شود.^۱

نکته دیگر در رابطه با نقش نظام تناسبی در نمایندگی زنان، ضریب پارلمانی (حد اقل رأی لازم برای احزاب) است؛ ظاهر موضوع چنین می‌نماید، که گویا این موضوع به ضرر نمایندگی زن‌ها باشد، اما در عمل تجربه برخی کشورها این ادعا را تأیید نمی‌کند. ضریب حداقل عضویت در پارلمان (برای احزاب) باعث می‌شود تا احزاب بزرگ ظرفیت بیشتر در اختیار داشته باشند و زنان بیشتری را برای پارلمان معرفی نمایند.^۲

با توجه بر آنچه بیان شد، می‌توان گفت که استفاده از سیستم انتخاباتی تناسبی تأثیرات مثبتی در راستای تقویت مشارکت پارلمانی زنان دارد، اما در عمل، صرف استفاده از این سیستم برای تقویت مشارکت پارلمانی زنان کافی نیست. در برخی کشورهای استفاده کننده سیستم تناسبی میزان مشارکت پارلمانی زنان در مقایسه با کشورهای استفاده کننده نظام اکثریتی کمتر است؛ به عنوان مثال کشورهایی چون کانادا و استرالیا از سیستم اکثریتی استفاده می‌کنند، اما میزان مشارکت زنان در پارلمان این کشورها بیشتر از کشورهای چون بلژیک (Belgium) و مالتا (Malta) (کشورهایی که از نظام تناسبی استفاده می‌کنند) است.^۳

۳-۳- تأثیر نظام‌های انتخاباتی مختلط بر نمایندگی زنان

از آنجاکه مهم‌ترین هدف سیستم مختلط بهره‌برداری دوگانه از مزیت‌های نظام اکثریتی و نظام تناسبی است، در این سیستم، هم مزایای سیستم اکثریتی و هم سیستم تناسبی قابل دریافت است.^۴ بر اساس مطالعات انجام شده پیرامون سطح مشارکت پارلمان زنان در نظام انتخاباتی مختلط (کشورهایی چون ژاپن و آلمان)، میزان زنانی که توسط بخش نظام تناسبی به پارلمان راه یافته‌اند، در مقایسه با بخش نظام اکثریتی آن بیشتر است.^۵ بنابراین می‌توان گفت، نظام

1. See: Luxembourg, 2009: 3.

2. See: Luxembourg, 2009: 3.

3. See: Iwanaga, 2008: 9.

4. See: Moser, 2001: 358.

5. See: Iwanaga, 2008: 9.

مختلط به دلیل اختصاص قسمتی از آن به تناسبی، کارایی بیشتری در زمینه مشارکت پارلمانی زنان (در مقایسه با نظام اکثریتی) دارد.^۱

۴- تأثیر فرمول انتخاباتی حاکم بر انتخابات ولسی جرگه افغانستان در مشارکت

پارلمانی زنان

در انتخابات دور پانزدهم، شانزدهم و هفدهم ولسی جرگه افغانستان از سیستم تک‌رأی غیرقابل انتقال (SNTV) استفاده شد، درحالی که سیستم پیشنهادی کارشناسان سازمان ملل متحد یکی از گونه‌های تناسبی بود، اما این سیستم (تناسبی) به دلیل مخالفت برخی سیاست‌یون افغان پذیرفته نشد. در زمان انتخاب سیستم انتخاباتی انتخابات پارلمانی، تفکر غالب این بود که نظام تناسبی با روح ماده ۸۳ قانون اساسی (در زمینه عضویت ۲۵ درصدی زنان در پارلمان) همخوانی ندارد و متدهای تقویت مشارکت پارلمانی زنان در سیستم تناسبی (روش سلسله مراتبی حزبی و روش تشویق احزاب) نیز ناکارآمد است.^۲ بنابراین مهم‌ترین دلیل انتخاب سیستم تک‌رأی غیرقابل انتقال رعایت ماده ۸۳ قانون اساسی (رعایت ۲۵ درصد سهمیه اختصاصی به زنان) بود. براساس این سیستم، رأی‌دهنده‌ها حق یک رأی دارند و آن را بلاواسطه استفاده می‌نمایند، در نتیجه نامزدان دارنده بیشترین آرا، پیروز انتخابات شناخته می‌شوند. حوزه‌بندی در این سیستم، چندعضوی/استانی بوده و رقابت در قلمروهای جغرافیایی بزرگ صورت می‌گیرد.^۳ سیستم انتخاباتی تک‌رأی غیرقابل انتقال یک سیستم متروک است که تا سال ۱۹۹۳ در ژاپن، ویتنام، اردن، تایلوان استفاده می‌شد، اما اکنون به دلیل نقدهایی که به آن وارد شده، کاربرد کمتری دارد.^۴

سیستم تک‌رأی غیرقابل انتقال، در دسته خانواده نظام‌های فرعی قرار دارد. مهم‌ترین دلیلی که این سیستم را در دسته نظام‌های فرعی قرار داده، چندعضوی بودن حوزه‌های انتخابیه آن است. اما به دلیل شباهت‌های این سیستم با نظام اکثریتی می‌توانیم برخی نقدهای وارده بر

1. See: Luxembourg, 2009: 2.

2. See: Norris, 2006: 8.

۳. نك: چودری و عرفانی، ۱۳۹۷: ۲۱.

4. See: Norris, 2006: 7.

خانواده نظام‌های اکثریتی را به این سیستم تعمیم بدهیم.^۱ برخی صرفاً چندعضوی بودن حوزه‌های انتخابیه در سیستم تک‌رأی. غیرقابل‌انتقال را عامل تأثیرگذار در نمایندگی زنان می‌پندارند، اما تجربه کشور ژاپن طی سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ ثابت نموده است که بزرگ بودن حوزه‌های انتخابیه به‌تثابی هیچ کمکی برای تقویت مشارکت پارلمانی زنان نمی‌کند.^۲ همان‌گونه که توضیح داده شد، نظام تک‌رأی. غیرقابل‌انتقال، عامل شخصیت‌سالاری انتخاباتی است و این خصیصه بیش از هرچیزی در زمینه مشارکت پارلمانی زنان بازخورد منفی دارد.^۳ نقد دیگری که به این سیستم وارد است، این است که زنان در آن با استفاده از سهمیه اختصاصی با آرای اندک/کم وارد پارلمان می‌شوند. این موضوع را به‌وضوح در وضعیت مشارکت پارلمانی زنان در افغانستان می‌توان مشاهده کرد. هرچند میزان مشارکت پارلمانی زنان در این کشور بیش از ۲۵ درصد است، اما این مشارکت متأثر از سهمیه‌بندی بوده و ارائه‌کننده رقم اصلی مشارکت زنان نیست.

براساس ماده ۸۳ قانون اساسی افغانستان، ۲۵ درصد شورای ملی این کشور به زنان اختصاص داده شده است. این سهمیه برای توانمندسازی زنان اعمال شده و انتظار می‌رود تا سال به سال وابستگی زنان به سهمیه اختصاصی کاهش یابد.^۴

سهمیه اختصاصی به زنان (در نظام حقوقی افغانستان) بازخورد خوبی در زمینه وضعیت سیاسی زنان داشته است؛^۵ چون در کشوری که مشارکت سیاسی زنان با موانع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و روانی روبه‌رو است، چاره‌ای جز سهمیه‌بندی نیست.^۶ تجربه افغانستان در زمینه مشارکت پارلمانی زنان مدل موفق‌تری برای کشورهای پسمانزعه و یا در منازعه تلقی می‌شود.^۷ سهمیه‌بندی برای زنان در پارلمان افغانستان رویکرد حداقلی بوده

1. See: Reynolds & Elis, 2005: 113-117.

2. See: Eto, 2010: 182.

۳. نک: خرمشاد و قهساره، ۱۳۹۲: ۵۱.

4. See: Böge, 2004: 3.

۵. نک: لو: امینی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵.

۶. نک: گزارش کارگاه آموزشی حقوق انسانی زنان در سیاست، ۱۳۸۴: ۱۲.

7. See: Sultan, 2005: 15.

و محدودکننده حضور بیش از ۲۵ درصد نیست؛ به عبارت دیگر، در صورت پیروزی بیش از ۲۵ درصد زنان در انتخابات، ممانعتی برای عضویت زنان در پارلمان وجود ندارد. همچنین برای تصاحب همه کرسی‌های یک حوزه انتخابیه توسط زنان، هیچ ممانعتی وجود ندارد؛ به‌طور مثال در انتخابات پارلمانی ۱۳۸۹ از حوزه انتخابیه نیمروز دو زن به ترتیب در رتبه اول و دوم قرار گرفت و هر دو کرسی این استان را اشغال نمود.

نکته دیگر در رابطه به نظام انتخاباتی اصلاحات اعمالی سال ۱۳۹۷ است؛ براساس این اصلاحات دولت متعهد شده تا فرمول انتخاباتی فعلی (سیستم تک رأی غیر قابل انتقال) را به سیستم مختلط تغییر دهد، اما تاکنون از این سیستم به‌طور سراسری استفاده نشده است.

- میزان مشارکت پارلمانی زنان در پارلمان‌های پسا بن^۱

شماره	انتخابات	نمایندگان بدون سهمیه	نمایندگان با سهمیه	مجموع	مجموع کرسی‌ها
۱	انتخابات ۱۳۸۴ (کرسی‌های ذخیره: ۲۵٪)	۷,۶٪ (۱۹ نماینده)	۱۹٪ (۴۸ نماینده)	۲۷,۲٪	۲۴۹
۲	انتخابات ۱۳۸۹ (کرسی‌های ذخیره: ۲۵٪)	۴,۵٪ (۱۱ نماینده)	۲۲,۵٪ (۵۵ نماینده)	۲۷٪	۲۴۹
۳	انتخابات ۱۳۹۷ (کرسی‌های ذخیره: ۲۵٪)	۲٪ (۵ نماینده)	۲۴,۴٪ (۶۱ نماینده)	۲۶,۴٪	۲۵۰

منبع: سایت رسمی کمیسیون مستقل انتخابات و آزاد^۲

تبصره جدول: در جدول بالا دیده می‌شود که سطح اصلی مشارکت پارلمانی زنان با نتایج بدون سهمیه اختصاصی فاصله معنادار دارد، به طوری که قسمت اعظم نمایندگان زن با استفاده از سهمیه تعیین شده در قانون اساسی وارد پارلمان شده‌اند. نکته دیگر در رابطه با جدول بالا این است که سهمیه اختصاصی برای زنان برای توانمندسازی زنان لحاظ شده و انتظار می‌رود

۱. کنفرانس به‌منظور ایجاد نظام سیاسی نوین در افغانستان به رهبری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۱ برگزار شد و مطابق موافقتنامه حاصل از این کنفرانس، در افغانستان حکومت عبوری (موقت) ایجاد شد.

۲. نك: سایت رسمی کمیسیون مستقل انتخابات و آزاد، ۱۳۹۴: ۲۱ و Haidari, 2008: 1; Worden & Sudhakar, 2012: 3.

که با گذر زمان وابستگی آنان اختصاصی کاهش یابد، اما در عمل عکس موضوع را شاهد هستیم. برعکس قضیه افغانستان در کشورهای اروپایی فلسفه وجودی سهمیه اختصاصی (رشد مشارکت طبیعی زنان در پارلمان) به خوبی تمثیل شده است؛ به عنوان مثال در فرانسه سهمیه اختصاصی در یک مرحله خاص برای تقویت مشارکت زنان اعمال شد و با برابری شرایط رقابت عادلانه میان زنان و مردان سهمیه‌های اختصاصی زنان کاهش یافت. جالب است که در افغانستان عکس موضوع را شاهد هستیم، به طوری که در جدول بالا مشاهده می‌شود، سهمیه اختصاصی به زنان به جای تقویت توانمندی زنان، وابستگی آنان را به سهمیه‌ها بیشتر نموده است. تردیدی نیست که عوامل متعددی در شکل‌گیری چنین وضعیتی تأثیر دارد، که مهم‌ترین عامل استفاده از سیستم تک رأی، غیرقابل انتقال است.

۵- تأثیر فرمول انتخاباتی حاکم بر انتخابات شورای اسلامی ایران بر نمایندگی زنان
نظام انتخاباتی حاکم بر مجلس شورای اسلامی ایران، نظام اکثریتی دو مرحله‌ای است که مرحله اول، منوط به کسب اکثریت حداقل یک چهارم آرا و مرحله دوم منوط به کسب اکثریت نسبی است.^۱ چنانچه در مرحله اول برای یک یا چند نفر از دو اطلبان اکثریت یک چهارم آرا حاصل نشود، انتخابات دو مرحله‌ای خواهد شد.^۲

در بحث تأثیر فرمول‌های انتخاباتی در نمایندگی زنان، دیدیم که در کشورهای استفاده‌کننده از نظام اکثریتی، سطح نمایندگی پارلمانی زنان ضعیف و کم‌رنگ است. مهم‌ترین دلیل چنین وضعیتی تک‌عضوی بودن حوزه‌های انتخابیه و همچنین شخصیت سالار بودن این سیستم است. اینجا تأثیرات نظام اکثریتی بر نمایندگی زنان با ابنتا بر انتخابات شورای اسلامی ایران در نکات زیر خلاصه می‌شود:

الف- حوزه‌بندی: در طول ده دوره انتخابات مجلس از تعداد ۹۵ نماینده زن، ۱۲ نفر به حوزه‌های تک‌عضوی و بقیه به حوزه‌های چندعضوی تعلق داشتند، بنابراین براساس تبیین و

۱. نک: حسین پور، ۱۳۹۶: ۴۱۰.

۲. نک: خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۴.

بررسی آمارهای ده دوره انتخابات مجلس در ایران باید گفت، شانس موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چند عضوی بیشتر از حوزه‌های تک عضوی است.^۱ هرچه تعداد کرسی‌های نمایندگی در حوزه‌های چند عضوی بیشتر باشد زنان شانس بیشتری برای موفقیت دارند.^۲

ب- شخصیت‌سالار بودن نظام اکثریتی: فرمول‌های انتخاباتی مربوط به خانواده اکثریتی، بلااستثنا شخصیت‌سالار و وابسته به فرد نامزد است؛ بنابراین سیستم اکثریتی، پیروزی تازه‌واردان کارزارهای انتخاباتی را دشوار می‌سازد. از آنجاکه علایق سیاسی زنان در دهه‌های اخیر تشدید یافته (یعنی در گذشته زنان دغدغه سیاسی کمتری داشتند) نظام انتخاباتی اکثریتی پیروزی زنان را دشوار می‌سازد. مطابق پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون مشارکت پارلمانی زنان در ایران، زنان در حوزه‌های انتخابیه دارنده سابقه نمایندگی زن‌ها، شانس بیشتری برای پیروزی داشته‌اند.^۳ این موضوع خود مبین این واقعیت است که ماهیت شخصیت‌سالارانه نظام اکثریتی، تأثیراتی منفی‌ای بر فرهنگ سیاسی به‌طور عام و به‌طور خاص به مشارکت پارلمانی زنان داشته است.

ج- نظام انتخاباتی (فرمول انتخاباتی) حاکم بر انتخابات شورای اسلامی ایران: این نظام متأثر از نظام انتخاباتی مورد استفاده در انتخابات پارلمانی فرانسه است.^۴ این موضوع در ذهن پژوهشگران سؤالاتی را تداعی می‌کند، اینکه چرا فرمول انتخاباتی اکثریتی دو مرحله‌ای در جمهوری فرانسه و جمهوری اسلامی ایران نتایج متفاوت داشته است؟ باید اذعان نمود که قبل از ۲۰۱۲ در فرانسه نیز میزان مشارکت پارلمانی زنان ضعیف بود، اما این کشور پس از پذیرش سهمیه اختصاصی^۵ زنان توانست میزان مشارکت پارلمانی این قشر را در سطح قابل ملاحظه‌ای بالا ببرد. در انتخابات ۱۹۹۷ برای زنان ۱۵ درصد سهمیه

۱. نك: میرشکاران، پیشگاهی فرد و وحیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۰.

۲. نك: پیشگاهی فرد و کیانی، ۱۳۹۴: ۶۱.

۳. نك: یزدان‌پناه و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۰۶.

۴. نك: خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۴.

۵. سهمیه‌ای که احزاب را مجبور به معرفی نامزدان زن در انتخابات می‌کرد.

نقش نظام‌های انتخاباتی در مشارکت - پارلمانی زنان... / فتحی و دیگران ۲۹۹

اختصاصی در نظر گرفته شده بود، اما پس از نقدهای وارده، در سال ۲۰۰۲ به ۳۸/۹ درصد، در سال ۲۰۰۷ به ۴۱ درصد و در سال ۲۰۱۲ به ۴۰ درصد رسید. سهمیه‌های که احزاب ملزم به رعایت آن (در زمینه معرفی نامزدان) بود، تأثیراتی خوبی در زمینه مشارکت پارلمانی زنان داشت، به طوری که در سال ۱۹۹۷، ۱۰/۹ درصد پارلمان زنان بود با تأثیرپذیری از اصلاحات مرحله به مرحله، در سال ۲۰۱۲ بیش از ۲۶ درصد کرسی پارلمان فرانسه را زنان تصاحب نمودند. با توجه به نتایج حاصله و شکل‌گیری شرایط برابر برای رقابت انتخاباتی میان زنان و مردان، در سال ۲۰۱۷ سهمیه اختصاصی به زنان کاهش یافت اما جالب آن است که میزان مشارکت پارلمانی زنان بیشتر شد، به طوری که حتا در این سال، سهمیه اختصاصی به زنان ۲۶/۶ درصد بود و سطح مشارکت پارلمانی زنان به ۳۸/۸ درصد افزایش یافت.^۱ برعکس فرانسه، ایران در انتخابات شورای اسلامی سهمیه خاصی به زنان اختصاص نداده است که به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل تفاوت سطح مشارکت پارلمانی زنان در این کشور، عدم پذیرش سهمیه‌بندی است.

- فراوانی و درصد تجمیعی حوزه انتخابیه بر حسب کرسی نمایندگی

نوعیت	تک کرسی	دو کرسی	سه کرسی	چهار کرسی	پنج کرسی	شش کرسی	سی کرسی
تعداد	۱۷۲	۲۲	۸	۱	۲	۱	۱
جمع کرسی	۱۷۲	۴۴	۲۴	۴	۱۰	۶	۳۰

منبع: (رکن آبادی و شمیرانی، ۱۳۹۲: ۸۳)

تبصره جدول: همان‌طور که در جدول بالا دیده می‌شود، حوزه‌های انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران یک‌دست نیست. در برخی استان‌ها حوزه‌های انتخابیه دو کرسی، سه کرسی، چهار کرسی، پنج کرسی، شش کرسی و سی کرسی است و در برخی دیگر حوزه‌های انتخابیه تک کرسی است. همان‌گونه که قبلاً بحث شد در حوزه‌های چندکرسی فرصت پیروزی

1. See: Bardall & Christensen, 2016: 255; IPU, 2018:7.

۲. لازم به ذکر است که در فرانسه، سهمیه اختصاصی زنان تنها در مرحله معرفی نامزدها توسط احزاب اعمال می‌شود؛ به عبارت بهتر، احزاب سیاسی در جریان معرفی نامزدها در هر حوزه قسمتی از لیست خود را باید به زنان اختصاص دهد.

زنان بیشتر است و لذا وسعت حوزه‌های انتخابیه به نفع زنان است. نکته دیگر اینکه، استفاده از حوزه‌های چندکرسی مشابهت نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران را با کشور مورد مقایسه (جمهوری اسلامی افغانستان) بیشتر می‌سازد.

- میزان مشارکت پارلمانی زنان در شورای اسلامی ایران

شماره	انتخابات	نمایندگان زن	مجموع کرسی‌ها پارلمان	درصد زنان
۱	انتخابات ۵۸-۵۹	۴	۲۷۰ کرسی	۱/۵
۲	انتخابات ۱۳۶۳	۴	//	۱/۵
۳	انتخابات ۱۳۶۷	۴	//	۱/۵
۴	انتخابات ۱۳۷۰	۹	//	۳/۵
۵	انتخابات ۷۴-۷۵	۱۴	//	۵/۶
۶	انتخابات ۷۸-۷۹	۱۳	۲۹۰	۴/۱
۷	انتخابات ۸۲-۸۳	۱۳	//	۴/۱
۸	انتخابات ۸۶-۸۷	۸	//	۲/۵
۹	انتخابات ۹۰-۹۱	۹	//	۳/۱
۱۰	انتخابات ۹۴-۹۵	۱۷ نماینده	//	۵/۸۶

منبع: (نعمتی و اسفندیاری، ۱۳۹۵: ۴۳۱؛ نعمتی، ۱۳۹۸: ۱۳۶؛ نعمتی، ۱۳۹۸: ۱۴۰؛ میرشکاران، پیشگاهی فرد و وحیدی، ۱۳۹۷: ۹۹؛ آل‌غفور و کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۷: ۱۷۲؛ پیشگاهی فرد و کیانی، ۱۳۹۴: ۶۱)

تبصره جدول: در جدول بالا دیده می‌شود که میزان مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی ایران ضعیف و کم‌رنگ است، اما نکته جالب روند روبه‌رشد آن است. البته در تعیین وضعیت جدول ارائه شده فرهنگ سیاسی و بینش زنان به سیاست بی‌تأثیر نیست. اما از این واقعیت نیز نباید چشم‌پوشی کرد که بیشترین نامزدان پیروز زن مربوط به حوزه انتخابیه تهران است. حوزه انتخابیه تهران، برخلاف سایر حوزه‌های انتخابیه چندعضوی بوده و زنان فرصت بیشتری برای پیروزی دارند. این موضوع یک بار دیگر مصداق ادعای این مقاله بوده و می‌توانیم بگوییم که نقش نظام انتخاباتی حاکم در تعیین وضعیت مشارکت پارلمانی زنان غیرقابل انکار است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه‌که دیدیم، انواع نظام‌های انتخاباتی نتایج و بازخوردهای متفاوتی در زمینه میزان مشارکت پارلمانی زنان دارد. در بین سه خانواده بزرگ نظام‌های انتخاباتی، فرمول‌های انتخاباتی مربوط به خانواده اکثریتی، کارایی ضعیفی در زمینه مشارکت پارلمانی زنان دارد. براساس یافته‌های این مقاله، عامل اصلی کم‌رنگ بودن مشارکت زنان در مجلس شورای اسلامی ایران و همچنین وابستگی بیش از حد زنان افغان به سهمیه اختصاصی، ریشه در استفاده از فرمول‌های انتخاباتی غیرکارآمد دارد.

جمهوری اسلامی ایران در انتخابات مجلس شورای اسلامی، از سیستم اکثریتی - دو مرحله‌ای (نوعی از نظام‌های مربوط به خانواده اکثریتی) استفاده می‌کند. به علاوه، این کشور سیاست سهمیه‌بندی جنسیتی (برای عضویت زنان در پارلمان) نیز اعمال نمی‌کند. سطح مشارکت پارلمانی - زنان در پارلمان جمهوری اسلامی ایران با نوساناتی همراه بوده است؛ به عبارت دیگر، روند روبه‌رشد مشارکت - پارلمانی زنان در ایران یک‌دست / مرتب نیست، هرچند تفاوت سطح مشارکت نیز از همدیگر تفاوت چندانی ندارند.

افغانستان در انتخابات ولسی جرگه (شورای ملی) از سیستم تک رأی غیر قابل انتقال استفاده می‌کند. این سیستم جزء سیستم‌های فرعی در دسته‌بندی نظام‌های انتخاباتی است، اما برخی معایب مربوط به نظام‌های اکثریتی را با خود دارد؛ یکی از نقدهای وارده بر سیستم اکثریتی شخصیت‌سالاری یا نامزدمحوری آن است.

هرچند در مقایسه با ایران، سطح مشارکت - پارلمانی زنان در افغانستان وضعیت بهتری دارد، اما این مشارکت غیرواقعی و متأثر از سهمیه‌بندی (از نوع کرسی‌های ذخیره) است. از سوی دیگر، میزان مشارکت غیرسهمیه‌ای زنان در پارلمان افغانستان روند نزولی داشته و استفاده از سیستم غیرکارآمد در انتخابات شورای ملی افغانستان وابستگی زنان را به سهمیه‌های اختصاصی بیشتر نموده است، درحالی‌که هدف اصلی سهمیه‌ها، توانمندسازی ذی‌نفعان آن است. باید گفت، اصلاح نظام‌های انتخاباتی تنها گزینه تقویت مشارکت پارلمانی زنان نیست، اما تنها گزینه عملی برای توانمندسازی سیاسی و تقویت مشارکت پارلمانی زنان اصلاح نظام

انتخاباتی است. تغییر عواملی چون فرهنگ به منظور بهبود مشارکت پارلمانی زنان وقت گیر و غیرعینی است.

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت که سطح مشارکت پارلمانی زنان با فرمول انتخاباتی حاکم بر انتخابات پارلمانی رابطه مستقیم دارد. مهم ترین مصداق این ادعا مشارکت کم رنگ زنان در پارلمان ایران و وابستگی بیش از حد و روزافزون زنان به سهمیه اختصاصی در افغانستان است. پس مهم ترین گام در راستای تقویت مشارکت پارلمانی زنان اصلاح نظام های انتخاباتی است.

کلام آخر اینکه، یکی از طرح ها در اصلاحات انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، استانی ساختن نظام انتخاباتی (به منظور تقویت مشارکت پارلمانی زنان) است. اما افغانستان این سیستم را در قالب نظام تک رأی. غیر قابل انتقال تجربه نموده است که برآیند آن مثبت به نظر نمی رسد. روی همین دلیل پس از اصلاحات انتخاباتی ۱۳۹۸ این کشور نظام مختلط را برای انتخابات پارلمانی برگزیده است؛ به علاوه آن طور که در لابه لای این مقاله دیدیم، استانی شدن نظام انتخاباتی در ژاین نیز تأثیر چندانی در تقویت مشارکت پارلمانی زنان نداشته است؛ بر این اساس، این کشور نیز پس از تجربه طولانی نظام تک رأی. غیر قابل انتقال (از دهه ۹۰ میلادی) به سمت نظام مختلط پیشرفته است. باید گفت پیشنهاد سیستم خاص برای انتخابات یک کشور نیازمند پژوهش وسیع و نظام مند است، اما در مقام نتیجه باید گفت، استانی شدن نظام انتخاباتی تأثیر چندانی در افزایش مشارکت پارلمانی زنان نخواهد داشت.

کتاب‌نامه

کتاب و مقالات

الف-۱: فارسی

- آزاد، عقیل (۱۳۹۴)، زنان و مشارکت سیاسی: چالش‌ها دستاوردها و فرصت‌های بعدی، چاپ اول، کابل: مؤسسه انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان.
- چودری، نافع و محمد عرفانی (۱۳۹۷)، اصلاح نظام انتخاباتی و تجربه انتخاباتی پارلمانی در افغانستان، چاپ اول، کابل: انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
- گزارش کارگاه آموزشی انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (۱۳۸۴)، حقوق انسانی زنان در سیاست و زندگی عمومی، مزارشریف: انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده.
- اولیور، لو؛ فرخ لقا امینی؛ فرید احمد بیات؛ ظیاء حسن؛ ریحانه کلتوم حسینی؛ مسعوده کوهستانی و چونا اچازو (۱۳۹۰)، حقوق مساوی و فرصت‌های نابرابر: مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی و شورای ولایتی، چاپ اول، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.
- فلشنبرگ، اندریا (۱۳۹۵)، پایان پدرسالاری: سه تحقیق پیرامون مشارکت سیاسی زنان، ترجمه سید وحید دادگر، چاپ اول، افغانستان: بنیاد هاینریش بل.
- شکوه، حیدری دقانی (۱۳۹۷)، مطالعه تطبیقی مشارکت زنان در قوه مقننه با تأکید بر سهمیه‌های انتخاباتی، پایان‌نامه منتشر نشده مقطع کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، دانشکده حقوق.
- آل لغفور، سید محمد تقی و فاطمه کاشف‌الغطاء (۱۳۸۷)، «فصل جدید مشارکت سیاسی زنان در ایران»، فصلنامه علمی-ترویجی بانوان شیعه، سال پنجم، دوره پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۴۸-۱۸۰.
- پناهی، محمد حسین و سمیه‌السادات بنی فاطمه (۱۳۹۳)، «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره بهار ۱۳۹۴، شماره ۶۸، صص ۳۵-۷۸.
- پیشگاهی فرد، زهرا و وحید کیانی (۱۳۹۴)، «تحلیل جغرافیای نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (دور اول تا نهم مجلس ۱۳۵۸-۱۳۹۱)»، پژوهشنامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صص ۵۳-۷۳.

- حسین پور، فاطمه (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی انتخابات پارلمانی ایران و انگلیس»، فصلنامه علمی ترویجی اسناد بهارستان، شماره ۱۰، صص ۲۵-۴۶.
- خرمشاد، محمدباقر و ابودر رفیعی قهساره (۱۳۹۲)، «نظام انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره ۳، صص ۴۱-۶۶.
- خسروی، حسن (۱۳۹۴)، «نظام انتخاباتی کارآمد مجلس شورای اسلامی در پرتو نظام‌های انتخاباتی»، علوم سیاسی، سال هجدهم، شماره ۷۱، صص ۹۴-۱۲۶.
- توسلی رکن‌آبادی، مجید و علیرضا شعبان شمیرانی (۱۳۹۲)، «نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم»، جستارهای سیاسی معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره ۱۰، صص ۷۵-۱۰۴.
- میرشکاران، یحیی؛ زهرا پیشگاهی فرد و الهام وحیدی (۱۳۹۷)، «پویش جغرافیایی انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران با تأکید بر مشارکت زنان»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۸۳-۱۱۴.
- نعمتی، نورالدین و سمانه اسفندیاری (۱۳۹۵)، «نقش و عملکرد نمایندگان زن در دوره‌های اول و دوم مجلس شورای اسلامی»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۳، صص ۴۲۹-۴۴۲.
- نعمتی، نورالدین و سمانه اسفندیاری (۱۳۹۸)، «عملکرد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی دوره سوم و چهارم (۱۳۶۷-۱۳۷۵)»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۴۹.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث؛ مجید غلامی؛ زهره فریدونیان و مهتاب جعفری (۱۳۹۶)، «بررسی جغرافیای حضور زنان در مجلس شورای اسلامی در ایران: با تأکید بر مجلس دهم»، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۹۱-۳۱۳.

الف-۲: لاتین

- Ballington, Julie & Azza Karam (2005). *Women in parliament: beyond numbers*, Stockholm: International IDEA.
- Ballington, Julli & Richard E. Matland (2004). *Political Parties and Special Measures: Women's Participation in Electoral Process*, New York: Glen Cove.
- Beauregard, Katrine (2013). "Gender, Political Participation and Electoral System Cross-National Analysis", *European Journal of Political Research*, Vol. 53, No. 3, pp. 617-634.
- C. Thames, Frank & Margare S. Williams (2010). "Incentives for Personal Votes and Women's Representation in Legislatures", *Comparative Political Studies*, Vol. 43, No. 12, pp. 1575-1600.
- Caul, Miki (1999). "Women's Representation in Parliament: The Role of Political Parties", *SAGE Publications*, Vol. 5, No. 1, pp. 79-98.
- Christensen, Skye & Gabrielle Bardall (2016). "Gender quota in Single Member District Electoral Systems", *Western Political Science Association*, Vol. 4, No. 2, pp. 246-267.
- Eto, Mikiko (2010). "Women and Representation in Japan", *International Feminist Journal of Politics*, Vol. 12, No. 2, pp. 177-201.
- Gamboa, Ricardo & Mauricio Morales (July-2018). "Gender Quotas, Campaign Spending Electoral Success: Women's Representation in Open-list Proportional Representation Systems", *Paper Prepared for presentation at the 25 World Congress of Political Science*, Brisbane.
- Haidari, Ashraf (2008). "The Culture & Conflict Review", *the Program for Culture & Conflict Studies*, Vol. 2, No. 2, pp. 1-3.
- I. Lindberg, Stffan (2004). "Women's Empowerment and Democratization: The Effects of Electoral Systems, Participation, and Experience in Africa", *Studies in Comparative International Development*, Vol. 39, No. 1, pp. 28-53.
- Iwanaga, Kazuki (2008). *Women Political Participation and Representation in Asia: Abstacles and Challenges*, Malaysia: NIAS Press.
- Kandiyoti, Deniz (2007). "Between the hammer and the anvil: Post-conflict reconstruction, Islam and women's rights", *Third World Quarterly*, Vol. 28, No. 9, pp. 503-517.
- Kunovich, Sheri & Paxton Pamela (2005). "Pathways to Power: The Role of Political Parties in Women's National Political Representation", *American Journal of Sociology*, Vol. 111, No. 2, pp. 505-552.

- M.Hughes, Melanie; P. Pamela; Krook, M.Lena (2017). "Gender Quotas for Legislatures and Corporate Boards", *Annual Reviews*, Vol. 43, No. 1, pp. 331-52.
- Moser, Robert G. (2001). "The effects of electoral systems on women's representation in post-communist states", *Electoral Studies*, Issue 3, Vol. 20, pp. 353-369.
- Norris, Pippa (2006). "Fast Track Strategies for Women's Representation in Iraq and Afghanistan: Choices and Consequences", *McGuire Lecturer in Comparative Politics*, Vol. 8, No. 27, pp. 1-26.
- Jones, Mark (2004). "Quota Legislation and the Election of Women: Learning from the Costa Rican Experience", *the Journal of Politics*, Vol. 66, No. 4, pp. 1203-1223.
- Reeve, Andrew & Ware, Alan (2006). *Electoral Systems: A comparative and theoretical Introduction*, New York: Routledge.
- Reynolds, Andrew; Ben Reilly & Eliss, Andrew (2005). *Electoral System Design: The New International IDEA Handbook*, Stockholm, Sweden: IDEA.
- Schwindt-Bayer, Leslie & William Mishler (2005). "An Integrated Model of Women's Representation", *Journal of Politics*, Vol. 67, No. 2, pp. 407-428.
- Young, Lisa (1997). "Gender Equal Legislatures: Evaluating the Proposed Nunavut Electoral System", *Canadian Public Policy*, Vol. Xxiii, No. 3, pp. 306-315.

ب- اسناد

- معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۸۶)، مجموعه قوانین و مقررات انتخابات مجلس شورای اسلامی، چاپ سوم، تهران: انتشارات اداره کل تدوین و تنقیح قوانین ریاست جمهوری.
- وزارت عدلیه (۱۳۹۵)، «قانون انتخابات»، جریده رسمی، شماره ۱۲۲۶، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.
- وزارت عدلیه (۱۳۹۷)، «طرح تعدیل، ایزاد و حذف در برخی از مواد قانون انتخابات»، جریده رسمی، شماره ۱۴۲۹، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.
- وزارت عدلیه (۱۳۸۲)، «قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان»، جریده رسمی، شماره ۸۱۸، کابل: انتشارات وزارت عدلیه.

نقش نظام‌های انتخاباتی در مشارکت - پارلمانی زنان... / فتحی و دیگران ۳۰۷

- The United Nation General Assembly. *Universal Declaration of Human Rights*, (adopted 10 December 1948 UNGA Res 217 A (III) (UDHR).
- The United Nation (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*, (Entered into force 23 March 1976), 999 UNTS 171 (ICCPR).
- The United Nation (1979). *Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*. (Entered into force 3 September 1981), Res. 34/180(CEDAW).
- United Nations (1996). General Assembly, Beijing Declaration and Platform for Action: Report of the Fourth World Conference on Women, (4-15 September 1995), United Nations publication, Sales No. E.96.IV.13.

ج- وبسایت(های) اینترنتی

- «تازه‌های انتخابات افغانستان: انتخابات ولسی جرگه» (۲۰۱۹/۱۲/۳۰)، NDI (۲۰۱۰). قابل دسترسی در: www.ndi.org.
- «نتایج نهایی تصدیق شده کاندیدان برنده انتخابات ولسی جرگه سال ۱۳۸۹» (۲۰۱۹/۱۲/۳۰)، کمیسیون مستقل انتخابات (۱۳۸۹). قابل دسترسی در: http://www.iec.org.af/results_10/dari/winning_candidates.html.
- «نتایج نهایی انتخابات ولسی جرگه سال ۱۳۹۷» (۲۰۱۹/۱۲/۱۸)، کمیسیون مستقل انتخابات (۱۳۹۷). قابل دسترسی در: <http://www.iec.org.af/results/fa>
- «Aafghan Women on the Agenda for Peace. Afghan Women on the Agenda for Peace», Masuda Sultan (2005). Availble at: www.huntalternativesfund.org.
- «Beijing Declaration and Platform of Action, adopted at the Fourth World Conference on Women» (27 October 1995), United Nations (1995). Available at: www.un.org/womenwatch/daw/beijing/pdf/BDPfA%20E.pdf.
- «Charter of the United Nations», United Nations (1945). 1 UNTS XVI, Available at: <https://www.refworld.org/docid/3ae6b3930.html>.
- «Impact of electoral systems on women's representation in politics, Council of Europe» (8 September 2009), Lydie Err Luxembourg (2009). Available at: <http://assembly.coe.int>.

- «Learning from wome’s success in the 2010 afghan election. By the United States Institute of Peace», Scott & Nina Sudhakar Worden (2012). Availble at: www.usip.org.
- «Women and Politics in Afghanistan: How to use the chance of the 25 % quota for women?. Friedrich Ebert Stiftung», Friederike Böge (2004). Availble at: beate.bartoldus@fes.de.
- «Women in Parliament 2017: The Year in Review», Inter-Parliamentary Union (2018). Available at: www.ipu.org.
- «Women and Political Participation» (15/08/2014), United Nations. Available at: www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/58/142&Lang=E.
- «Women and Political Participation» (15/08/2014), United Nations. Available at: www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/66/130.

